

ارزیابی میزان علاقه فارسی‌آموزان عرب‌زبان به فراگیری فرهنگ ایرانی

عطیه کامیابی گل^۱

میترآ طاهرزاده^۲

مینا قاضی جولائی^۳

چکیده

زبان، ابزاری برای ارتباط میان انسان‌هاست و این ارتباط، بدون شناخت فرهنگ زبان مقصد ممکن نیست. این امر در میان زبان‌آموزانی که قصد ادامه تحصیل در ایران را دارند، به‌خوبی آشکار است. هدف این مقاله، بررسی میزان علاقه زبان‌آموزان به فراگیری فرهنگ و میزان توجه مدرسان آزفا به آموزش فرهنگ است. در این مقاله با بهره‌گیری از جدول تعمیم‌پذیری «مورگان»، با ۲۸ نفر از مدرسان سطح متوسط آموزشی آزفا و ۸۰ نفر فارسی‌آموز سطح متوسط عرب‌زبان «مرکز آزفای دانشگاه فردوسی مشهد»، مصاحبه‌ای پانزده دقیقه‌ای انجام گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زبان‌آموزان تمایل به آشنایی با فرهنگ ایرانی را دارند، اما نمی‌خواهند در کلاس درس به آن پرداخته شود. از سوی دیگر، مدرسان بیشتر بر آموزش مستقیم نکات فرهنگی در کلاس تأکید می‌کنند و این ناهمسازی، دلزدگی بیشتر را برای دو طرف در پی دارد.

در پایان با توجه به نتایج به دست آمده، راهکارهایی برای آموزش فرهنگ ارائه می‌دهیم تا با روشی مؤثر بتوان فرهنگ ایرانی را بدون بازخورد منفی به زبان‌آموزان آموزش داد.

کلید واژه‌ها: فرهنگ و زبان؛ آموزش فرهنگ؛ فارسی‌آموزان عرب‌زبان؛ راهکارهای آموزشی.

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول). kamyabigol@um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه فردوسی مشهد. mitra_taherzadeh@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه بین‌المللی امام رضا. Mg.joolae@gmail.com

■ تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۷

■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰

۱. مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است. در واقع، انسان یک گیرنده و فرستنده پیام است که اطلاعات را گردآوری و پخش می‌کند. به گفتهٔ سایپر^۱: «معنای صریح یا ضمنی ارتباطات، در هر الگوی فرهنگی و رفتار اجتماعی دخیل می‌باشد». (۱۹۵۶: ۱۰۴) ابزار برقراری این ارتباطات، زبان است. رابطه میان زبان و فرهنگ، در بازتاب زبان در فرهنگ جامعه ریشه دارد. وجود رابطه مستقیم میان فرهنگ و زبان و اهمیت آن در آموزش زبان دوم، ما را بر آن داشت تا به تأثیر فرهنگ و شیوه‌های آموزشی آن، با نگاهی متفاوت بپردازیم. با توجه به هدف تحقیق، پرسش‌های اصلی زیر مطرح است:

۱. دیدگاه زبان‌آموزان درباره فرهنگ ایرانی و فراگیری آن چیست؟
۲. دیدگاه مدرسان درباره آموزش فرهنگ ایرانی چیست؟
۳. به نظر مدرسان، بهترین زمان برای آموزش فرهنگ چه زمانی است؟
۴. آیا کاربردی بودن آموزه‌های فرهنگی اهمیت دارد؟
۵. آیا روش‌هایی که مدرسان «مرکز آرفای دانشگاه فردوسی مشهد» برای انتقال فرهنگ به کار می‌گیرند، از نظر زبان‌آموزان مناسب است؟

۱-۱ فرهنگ

فرهنگ مفهوم گسترده‌ای دارد و تعریف آن می‌تواند بسیار مبهم باشد. به نظر ویلیامز (۱۳۸۶) فرهنگ، کاربردهای متفاوتی میان تمام ملت‌ها و دوره‌ها دارد. فرهنگ به شکل فردی، از اعضای خانواده یا جامعه در طول زندگی آموخته می‌شود (گل‌نیک و چین، ۲۰۰۶) و اجزای مختلفی از جمله: ارزش‌ها و سبک‌های رفتاری، زبان و گویش‌ها، ارتباطات غیرزبانی و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی دارد. (بانکس، ۲۰۰۶) در تعریفی جامع‌تر، صادقی رشاد (۱۳۹۰: ۱۰) فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه تافته و تنیده سازوارشده‌ای از بینش‌های پایدار، در بسترها و کنش‌ها و منش‌های پایدار، در بستر زمینی و بازه زمانی مشخصی که چون هویت جمعی و طبیعت ثانوی طیفی از آدمیان، صورت بسته باشد.» البته باید توجه داشت که فرهنگ همواره در حال تغییر و دگرگونی است؛ زیرا افراد، گروه‌ها و محیط اطراف پیوسته تغییر می‌کنند. بنابراین، ارائه یک تعریف ثابت و فراگیر از

فرهنگ، کار دشواری است. (یعقوبی، ۱۳۸۳)

۲-۱ زبان

زبان را می‌توان وسیله‌ای برای ارتباط دانست؛ وسیله‌ای که هویت شخصی و فرهنگی را شکل می‌دهد و شخص را با گروه‌های فرهنگی مرتبط می‌کند. (گل‌نیک و چین، ۲۰۰۶) زبان می‌تواند علاوه بر مهارت‌های اصلی (خواندن، نوشتن، شنیدن و سخن گفتن)، زبان غیرشفاهی (ژست و حرکات بدن) و شفاهی (محواره) باشد. به‌طور کلی، کریستال^۲ زبان را این‌گونه تعریف کرده است: «زبان یعنی استفاده از صدا، علایم یا نمادهای نوشتاری در جامعه، به‌صورت اصولی و مطابق با قاعده، برای ارتباط و بیان.» (۱۹۷۱: ۴۲۴) امیت و پل لاک^۳ (۱۹۹۷) نیز معتقدند که زبان از علایم قراردادی است که گروه یا جامعه‌ای از کاربران آن را پذیرفته و ساخته‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که زبان برای هدفی خاص در ارتباط با جمعی از کاربران به کار می‌رود.

۳-۱ زبان و فرهنگ

بنا بر فرضیه سایپر - ورف^۴ زبان، فکر و ادراک سخنران را تعیین و بیان می‌کند؛ به این معنا که بیشتر زبان‌ها، جز هنگامی که در بستر فرهنگ قرار گیرند، باقی نمی‌مانند و در مقابل، فرهنگی که اساس آن، ساختار استاندارد نداشته باشد نیز باقی نخواهد ماند. (سایپر، ۱۹۲۱). ورف نیز این نظریه را «اصل نسبیّت زبانی» نامیده است. (ورف، ۱۹۵۶). در نتیجه، فرضیه سایپر - ورف، یک تئوری ارتباطی میان زبان و اندیشه است. بنابراین تئوری، هر انسان، جهان را با توجه به توصیف آن در زبان مادری خود می‌بیند. به عبارت دیگر به همان اندازه که زمان، فضا و جرم را (از دیدگاه انیشتین) می‌توان فقط سیستمی از روابط تعریف کرد، دانش بشر نیز مانند آن، تنها در چارچوب احتمالات معنایی و ساختاری زبان‌های طبیعی شکل می‌گیرد. در واقع، فرضیه سایپر و ورف شامل دو مقوله ثابت و یکپارچه^۵ زیر است:

الف) نسبیّت زبانی: زبان‌ها در واژگان و ساختار با هم متفاوت‌اند و معانی و مفاهیم فرهنگی گوناگونی را می‌رسانند. زبان مادری، روش برداشت انسان را از جهان اطراف (کلی یا جزئی) تعیین می‌کند.

ب) جبر زبانی: در این دیدگاه، انسان زندانی زبان خویش است و نظام‌های فکری ما تأثیر پذیرفته

از زبان اجتماعی است؛ به گونه‌ای که شکل‌های زبانی رایج در جامعه، اندیشه ما را درباره واقعیت‌ها محدود می‌کند. (ماهادی و جعفری، ۲۰۱۲)

بنابراین، فرضیه سایپر - ورف بیشتر نشان‌دهنده نفوذ زبان در تفکر و فرهنگ است. زبان‌های خاص از نظر تاریخی، با فرهنگ‌های خاص در ارتباط هستند. زبان‌ها همراه با فرهنگ، کلید ارتباطی می‌باشند و زبان به‌تنهایی نمی‌تواند فهمیده شود. جداسازی زبان از فرهنگ، امری غیرممکن و هرکدام از آنها بدون دیگری توصیف‌پذیر نیستند. برای آن که شخصی بتواند یک فرهنگ را درک کند، باید زبان آن فرهنگ را بیاموزد و لازمه تسلط بر یک زبان، این است که شخص، فرهنگ آن زبان را نیز بیاموزد. (افخمی، ۱۳۷۸) به تعبیر صادقی رشاد (۱۳۹۰: ۱۰): «جهان نافیزیکی جمعی آدمیان، زمان و زمین معین است و در نتیجه، انسان بلافرهنگ و فرهنگ بلاانسان، بی‌معناست».

۲. فرهنگ و زبان‌آموزی

همان‌گونه که گفته شد، زبان بازتاب‌دهنده فرهنگ است و بایسته یادگیری یک زبان، درک محتوای زبان مقصد است. هیچ زبان‌آموزی نمی‌تواند به زبانی کاملاً مسلط شود، مگر این که بافت‌های فرهنگی آن زبان را بشناسد. (یعقوبی، ۱۳۸۳) در کنار یادگیری مهارت‌های ارتباطی مانند: گفتار، شنیدار، خواندن و نوشتن، فرهنگ نیز بسیار مهم است و در واقع می‌توان از آن به عنوان مهارت پنجم در کنار چهار مهارت اصلی زبانی یاد کرد.

می‌دانیم که ارتباط در اجتماع شکل می‌گیرد و جامعه، یک بستر فرهنگی است. امروزه زبان و فرهنگ در کنار یکدیگر در جایگاه اهداف آموزشی در همه جای جهان پذیرفته شده‌اند. شومان^۹ (۱۹۷۸) معتقد است: میزان فرهنگ‌پذیری، تعیین‌کننده توان زبانی زبان‌آموزان است و بدون فرهنگ، توان زبانی ناکامل است و این نشان‌دهنده نیاز مبرم زبان‌آموزان به یادگیری نکات فرهنگی زبان مقصد است. در همین راستا محققین بسیاری (زاهدی، ۱۳۸۸؛ بابازاده، ۱۳۸۸؛ رستم‌بیک تفرشی و رمضانی واسوکلائی، ۱۳۹۱؛ درزی و پاکتچی، ۱۳۹۳؛ هینکل، ۱۹۹۹) به اهمیت و ارتباط میان زبان و فرهنگ و تأثیر فرهنگ در یادگیری، تعامل، سخن گفتن، انتقال معنا و نوشتن به زبان دوم اشاره کرده‌اند.

نکته دیگر این است که مطالعه فرهنگ، انگیزه‌ای برای زبان‌آموزان است تا زبان را بیاموزند. در

تحقیقی که توسط میردهقان و طاهرلو (۱۳۹۰) روی فارسی‌آموزان غیرایرانی انجام شده، نتایج نشان می‌دهد که اگر آموزش زبان در مکان‌های گوناگون و متناسب با بافت فرهنگی صورت گیرد و تعامل در کاربرد زبان، در محیط و فرهنگ واقعی رخ دهد، بازدهی آن دوچندان خواهد بود. بنابر این تحقیق، پیش‌زمینه فرهنگی نقش مهمی در یادگیری زبان دارد و نگرش‌های مثبت و منفی به زبان را موجب می‌شود.

۵. روش تحقیق

در این پژوهش، ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌هایی است که هر کدام نزدیک به پانزده دقیقه بوده و به صورت جداگانه از زبان‌آموزان و مدرسان ضبط شده است. محتوای پرسش‌ها، شامل دیدگاه زبان‌آموزان درباره فرهنگ ایرانی، میزان علاقه آنها به یادگیری فرهنگ و روش‌های یادگیری فرهنگ است. (پیوست الف) پرسش‌های مدرسان مربوط به مسائلی مانند: میزان توجه مدرس به آموزش فرهنگ، روش‌های تدریس فرهنگ و دیدگاه مدرسان درباره رابطه آموزش و فرهنگ است. (پیوست ب) همچنین از زبان‌آموزان خواسته شده که میزان موافقت یا مخالفت خود را با موضوعات بیان کنند. پس از بررسی، برای ارائه آمار دقیق‌تر، گفته‌های آنها در قالب «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» درجه‌بندی شده است. داده‌ها در طول مدت سه ماه از بین زبان‌آموزان سطح متوسط و مدرسان «مرکز آرفای دانشگاه فردوسی مشهد» گردآوری شد. به دلیل مسلط نبودن زبان‌آموزان به زبان فارسی، مصاحبه به زبان عربی انجام گرفت و در هنگام تحلیل داده‌ها، به فارسی برگردانده شد. جامعه آماری بنابر جدول کرچه و مورگان^۱ (۱۹۷۰) از بین زبان‌آموزان و مدرسان «مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی» به غیرفارسی‌زبانان دانشگاه فردوسی مشهد انتخاب شد.

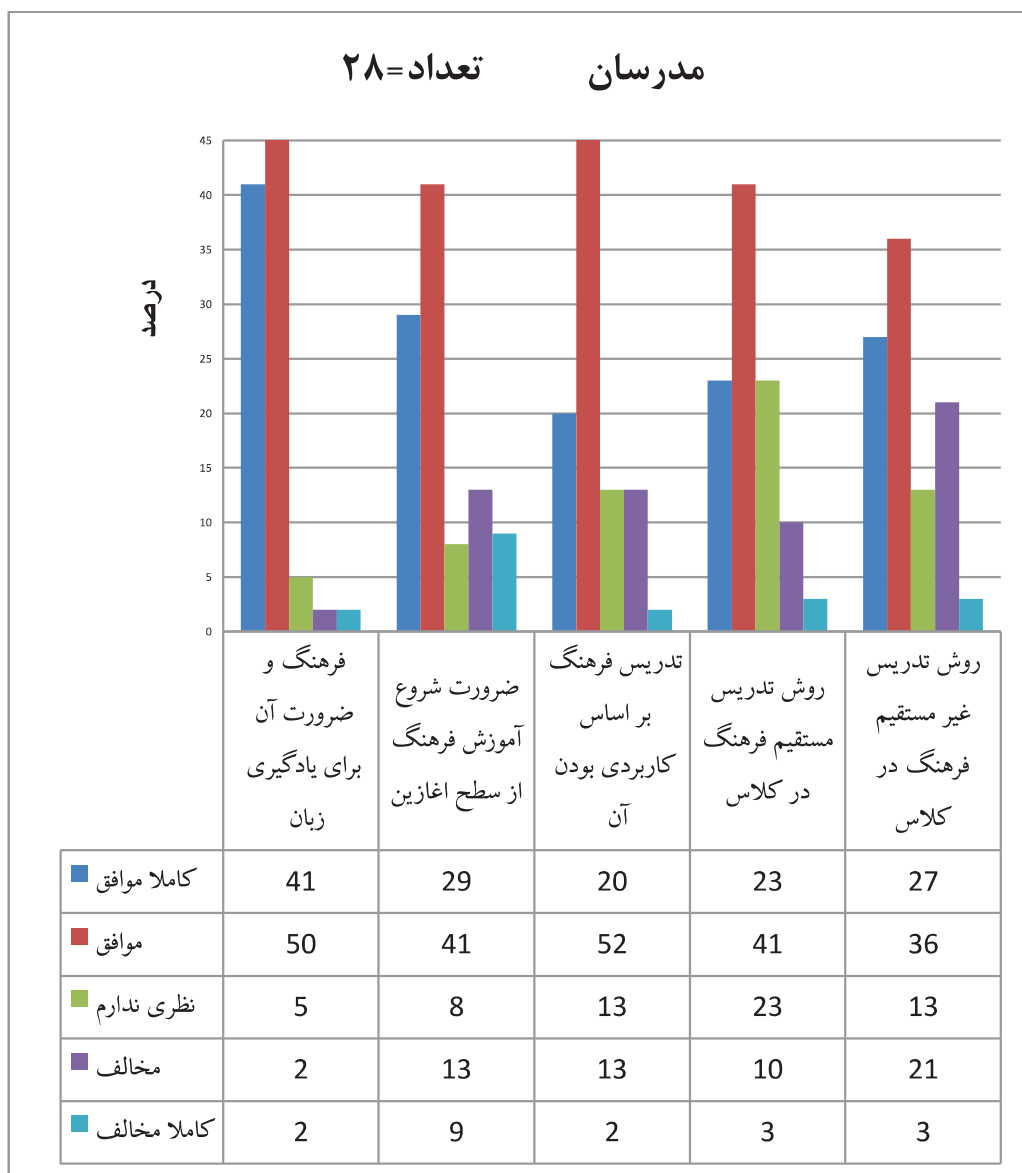
داده‌ها از میان ۸۰ زبان‌آموز عرب‌زبان (۱۴ زن و ۶۶ مرد در بازه سنی ۲۱-۵۹ سال) که دست‌کم سه ماه در ایران مشغول به تحصیل زبان فارسی در این مرکز بوده‌اند، و ۲۸ مدرس (۶ مرد و ۲۲ زن در بازه سنی ۲۶-۵۶ سال) مشغول به تدریس در مرکز نام‌برده گردآوری شده است. مدرسان دست‌کم ۴ ماه و حداکثر ۲ سال در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان مشغول تدریس بوده‌اند.

۶. نتایج و بحث

داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌شدگان، در قالب درجه‌بندی «کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» با توجه به موضوع اصلی تحقیق به شرح زیر است:

جدول ۱

داده‌های مربوط به مدرسان



بنا بر این جدول، ۴۱٪ مدرسان بر این باورند که باید فرهنگ کشور مقصد، از سطوح مبتدی به زبان آموز منتقل شود و به تدریج میزان آموزش جنبه‌های فرهنگی گسترش یابد؛ زیرا معتقدند که

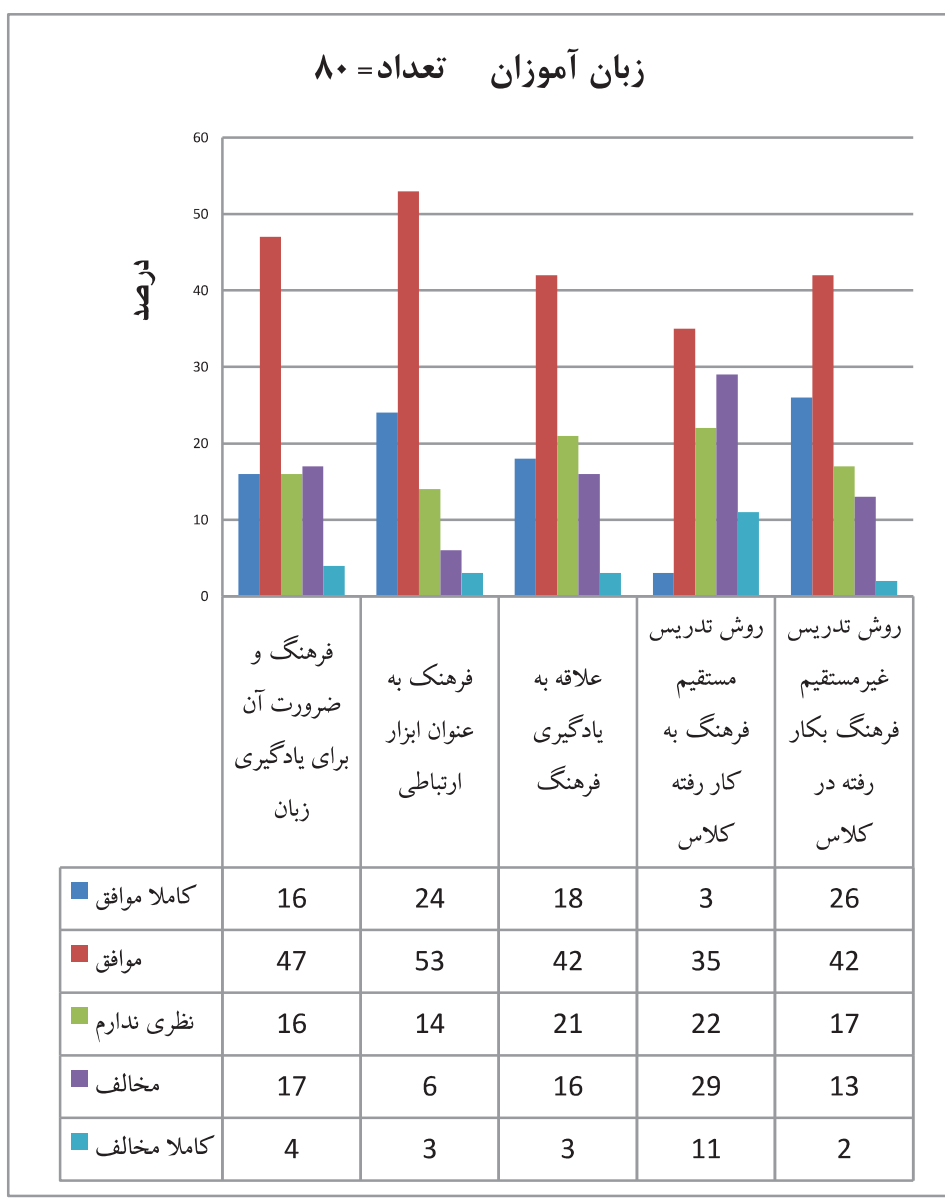
فارسی‌آموز از ابتدای ورود به ایران، با تفاوت‌های فرهنگی در جامعه برخورد دارد. مدرس شماره ۴ در پاسخ به اهمیت آموزش فرهنگ در سطوح پایین اذعان داشت: «آنها از لحظه ورود به فرودگاه، تفاوت‌های فرهنگی را می‌بینند. به همین دلیل باید از همان ابتدا این تفاوت‌ها را در قالبی نامحسوس توضیح دهیم تا از شوک فرهنگی جلوگیری کنیم».

۵۲٪ مدرسان بر مهم و کاربردی بودن فرهنگ تدریس شده در کلاس تأکید کرده‌اند. بسیاری از مدرسان بر این باورند که آموزش جنبه‌های فرهنگی، دور از دسترس و بدون این که در جامعه کاربرد داشته باشد، تنها باعث دلزدگی زبان‌آموز و طولانی‌تر شدن روند آموزش زبان می‌شود.

۳۶٪ مدرسان از روش آموزش غیرمستقیم، مانند وسایل کمک‌آموزشی برای تدریس فرهنگ استفاده می‌کنند. از این میان، بیشترین روشی که مدرسان برای آموزش فرهنگ به کار می‌گیرند، روش تطابق فرهنگی و مشاهده تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگی است که در آن، از زبان‌آموزان خواسته می‌شود درباره آنچه دیده‌اند و تجربیات خود بنویسند. زبان‌آموزان نیز از مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌ها استقبال می‌کنند؛ اما ترجیح می‌دهند بیشتر درباره آن صحبت کنند. افزون بر این، مدرسان گفته‌اند که از تصاویر و فیلم استفاده می‌کنند.

۴۲٪ زبان‌آموزان ترجیح می‌دهند روش‌های غیرمستقیم در کلاس به کار گرفته شود؛ به‌ویژه از نمونه‌های عینی مانند فیلم، بیشتر استقبال می‌کنند. مدرس شماره ۱۵ استفاده از فیلم و مستندهایی که با توجه به سطح زبان‌آموزان انتخاب شده را روشی موثر، هم در انتقال فرهنگ و هم در آموزش زبان می‌داند. مدرس شماره ۲۱ درباره به‌کارگیری وسایل کمک‌آموزشی گفت: «اگر موضوع درس، فرهنگی باشد، در کنار آن از تصاویر استفاده می‌کنم؛ مانند شب یلدا، نوروز و غیره». با این حال، شمار مدرسانی که روش‌های غیرمستقیم آموزشی را به کار نمی‌گیرند نیز چشم‌گیر است (۲۱٪ مخالف) که نشان می‌دهد مدرسان با به‌کارگیری ابزارها و روش‌های آموزشی آشنا نیستند.

جدول ۲
داده‌های مربوط به زبان آموزان



جدول شماره ۲ مربوط به میزان علاقه زبان آموزان به فرهنگ ایرانی است و نشان می‌دهد که زبان آموزان نگاه ابزاری به فرهنگ دارند (۵۳٪ موافق) و این خود نشان‌دهنده وجود رابطه میان زبان و فرهنگ است. همچنین نشان می‌دهد که نمی‌توان با زبان به تنهایی ارتباط برقرار کرد و نیازمند ابزار دیگری برای ارتباط مؤثر هستیم که این ابزار کمکی، فرهنگ می‌باشد.

۴۲٪ زبان‌آموزان به یادگیری فرهنگ زبان مقصد تمایل دارند.

۴۷٪ درصد زبان‌آموزان بر اهمیت و ضرورت فرهنگ در یادگیری زبان فارسی تأکید داشته‌اند. برای مثال: زبان‌آموز شماره ۷۱ به انواع تعارف در زبان فارسی اشاره می‌کند و می‌گوید: «بدون دانستن فرهنگ، درک این تعارف‌ها غیرممکن است».

۵۰٪ مدرسان (جدول ۱) بر این باورند که فرهنگ نقش اساسی در یادگیری زبان دارد؛ به همین دلیل بر ضرورت آن تأکید کرده‌اند. مدرس شماره ۱۹ در پاسخ به رابطه فرهنگ و یادگیری زبان می‌گوید: «فرهنگ، بخش جدایی‌ناپذیر زبان است و به‌ویژه در مورد زبان فارسی که تمام رفتارها و گفتارهای عامیانه، با فرهنگ و ادبیات ایران گره خورده است، تا زبان‌آموز نتواند این روابط را تشخیص دهد، زبان را فرا نمی‌گیرد».

۳۵٪ از زبان‌آموزان (جدول ۲) بر این باورند که در کلاس‌ها جو فرهنگی سنگینی وجود دارد که نشان‌دهنده استفاده استادان از روش‌های مستقیم آموزش فرهنگ است. مصاحبه‌شونده‌های شماره ۱۶ و ۲۲ به این نکته اشاره کرده‌اند که در کلاس، متن‌هایی که ویژه فرهنگ ایران است را چندین بار خوانده‌اند و این گونه متون کاملاً تکراری است و خواندن آنها بسیار خسته‌کننده است. یکی از زبان‌آموزان درباره خواندن متونی که ویژه فرهنگ ایران است، بر این باور است که «نه تنها آموزنده نیستند، بلکه درباره فرهنگ ایران اغراق شده است».

روش‌های مستقیم آموزش فرهنگ می‌تواند نقش بازدارنده در علاقه زبان‌آموزان به فرهنگ کشور مقصد داشته باشد. بیشتر زبان‌آموزان در مصاحبه، بر این نکته هم‌رأی بودند که روش‌های مستقیم آموزش فرهنگ، آنها را از یادگیری زبان فارسی دور می‌کند.

آمار ۴۱ درصدی استفاده مدرسان از روش‌های تدریس مستقیم، مانند گفت‌وگوی مستقیم درباره مسائل فرهنگی و خواندن متونی که مخصوص فرهنگ نوشته شده، نظر زبان‌آموزان را تأیید می‌کند. پس باید متون را با روش‌های مطابقه‌ای و به صورت غیرمستقیم ارائه داد.

۷. تحلیل و نتیجه‌گیری

یکی از نقش‌های زبان، تعامل با افراد زبان مقصد است. مطالعه فرهنگ زبان مقصد، یک اجبار نیست؛ بلکه یک فعالیت ضروری برای درک بافت‌های زبانی و برقرار کردن تعامل مؤثر با افراد بومی

است. این امر برای افرادی که در کشور زبان مقصد تحصیل می‌کنند، اهمیت بیشتری دارد. فرهنگ می‌تواند ابزاری برای پیشبرد آموزش زبان باشد. در این تحقیق، هم مدرسان (۵۰٪) و هم زبان‌آموزان (۴۷٪) نسبت به فراگیری فرهنگ و ارتباط آن با زبان هم‌رأی بودند.

۴۲٪ زبان‌آموزان علاقه خود را به یادگیری فرهنگ ابراز داشتند. در پاسخ به پرسش تحقیق درباره سطح مناسب آموزش فرهنگ، همه مدرسان بر این نکته تأکید داشتند که فرهنگ باید در همه سطوح و به صورت تدریجی آموزش داده شود. اما تفاوت اصلی، در شیوه انتقال فرهنگ است. روش‌های آموزشی تعاملی و فعال، مانند ایفای نقش (نف و روسینیکی، ۲۰۱۳)، مصاحبه (سالویر، ۲۰۰۴) و کپسول فرهنگی (پترسون و کولتران، ۲۰۰۳)، به کارگیری ادبیات (پترسون و کولتران، ۲۰۰۳) و ضرب‌المثل (گزیینار، ۲۰۱۴) و ابزارهای آموزشی، مانند فیلم، تصاویر و روزنامه (هرون، کول، کوریه و دوبریل، ۱۹۹۹؛ متسوتا، ۲۰۰۴) می‌تواند غیرمستقیم و تعاملی فرهنگ را آموزش دهد. کولن و ساتو (۲۰۰۰) روش‌های عملی را توصیه می‌کنند و بر این باورند که منابع آموزش فرهنگ در کلاس باید دارای سه پارامتر گوناگونی منابع اطلاعاتی، همراهی فعالیت‌های فیزیکی و در نظر گرفتن جنبه‌های مثبت و منفی موقعیت‌های فرهنگی باشد.

نتایج این تحقیق درباره پرسش از روش انتقال فرهنگ، نشان داد با وجود این که فارسی‌آموزان تمایل به یادگیری فرهنگ دارند، مخالف این هستند که فرهنگ به صورت مستقیم در کلاس درس آموزش داده شود (۴۲٪). همین امر برای زبان‌آموز، بازدارنده و منفی خواهد بود و در برابر یادگیری فرهنگ، مقاومت خواهد کرد. پنهانی بودن روند آموزش فرهنگ، نقش به‌سزایی در آموزش آن دارد. پس در پاسخ به پرسش از مناسب بودن روش‌های کنونی می‌توان گفت که روش‌های مدرسان «مرکز آرفای دانشگاه فردوسی مشهد» نه تنها پاسخگوی نیاز زبان‌آموزان نیست، بلکه عاملی برای دلزدگی، خستگی و در نتیجه مانعی برای یادگیری شمرده می‌شود. در نتیجه، بهتر است مدرسان به روش‌های انتقال فرهنگ، بیشتر توجه داشته باشند.

یکی از روش‌های مفید برای انتقال نکات فرهنگی، روش بررسی‌های مقابله‌ای است که مدرسان در هنگام برنامه‌ریزی درسی می‌توانند آن را به کار گیرند. با به کارگیری تحلیل مقابله‌ای فرهنگ زبان مبدأ و مقصد، مدرس بیشتر به تفاوت‌های فرهنگی آگاه شده و با برنامه‌ریزی بهتر، ابتدا از

شبهات‌های فرهنگی آغاز می‌کند تا با مقاومت کمتری از سوی فارسی‌آموزان روبه‌رو شود. (پیترسون و کلترین، ۲۰۰۳؛ ککیر، ۲۰۰۶) همچنین باید این نکته را نیز در نظر گرفت که فرهنگ، ابزاری برای انتقال زبان است. پیشنهاد می‌شود به منظور درک صحیح از روش‌های آموزش فرهنگ برای مدرسان، کارگاه‌های آموزشی برگزار شود و راهکارهای موجود و مورد نیاز آنان به طور مفصل شرح داده شود.

همان‌گونه که نتایج مربوط به سطح انتقال فرهنگ در کلاس نشان داد، انتقال فرهنگ به زبان‌آموزان در سطوح مختلف (مبتدی تا پیشرفته) اهمیت دارد. مهم این است که منابع آموزش فرهنگ باید تغییر کند تا هم‌سطح با دانش زبانی آنها باشد. همچنین باید به این نکته توجه داشت که ۵۲٪ مدرسان بر کاربردی بودن آموزه‌های فرهنگی در کلاس درس تأکید داشته‌اند؛ زیرا ناکارآمد بودن آموزه‌های فرهنگی و ناملموس بودن آنها در جامعه می‌تواند برای زبان‌آموز نقش بازدارنده داشته باشد و زبان‌آموزان احساس کنند وقت کلاس به بیهودگی گذشته و نکات لازم به آنان منتقل نشده است.

امیدواریم نتایج به‌دست آمده از این پژوهش بتواند با تأکید بر اهمیت آموزش صحیح فرهنگ در کلاس‌های آرفا، مدرسان و مسئولان مراکز آرفا را در رسیدن به هدف مقدس گسترش زبان و فرهنگ ایرانی - اسلامی کشورمان بیش از پیش رهنمون سازد.

پی‌نوشت

1. Sapir.
2. Crystal.
3. Emmitt & Pollock.
4. Sapir-Whorf.
5. Schumann.
6. Krejcie & Morgan.

منابع

۱. افخمی، علی (۱۳۷۸)، «رابطه زبان و فرهنگ»، نامه فرهنگ، شماره ۳۴، ۶۰-۶۵.
۲. بابازاده، جمیله (۱۳۸۸)، «زبان، فرهنگ، اصطلاحات و ارتباط آنها با آموزش زبان‌های خارجی»، فصلنامه پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۵۵، ۱۹-۲۸.
۳. میردهقان، مهین‌ناز و طاهرلو، فرنوش (۱۳۹۰)، «تأثیر فرهنگ ایرانی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان»، فصلنامه ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۱۵-۱۳۲.
۴. درزی، قاسم و پاکتچی، احمد (۱۳۹۳)، «نقش ترجمه فرهنگی در مطالعات میان‌رشته‌ای با تأکید بر الگوهای نشانه‌شناسی فرهنگی»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۴، ۳۳-۴۹.
۵. رستم‌بیک تفرشی، آتوسا و رمضانی، احمد (۱۳۹۱)، «نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ۱۵-۳۴.
۶. زاهدی، کیوان (۱۳۸۸)، «زبان، تفکر و فرهنگ: دیدگاه‌ها و برهان‌ها»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۱، ۱۷-۴۶.
۷. صادقی رشاد، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، «درباره فلسفه فرهنگ»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۱۲ و ۱۳، ۷-۱۶.
۸. ویلیامز، ریموند (۱۳۸۶)، «به سوی جامعه‌شناسی فرهنگ»، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۸ (۱۳۸۶)، ۲۵۱-۲۷۳.
۹. یعقوبی، حسین (۱۳۸۳)، زبان، ترجمه و ارتباط فرهنگ‌ها: آرمان جامعه‌زبانی یکپارچه، تهران، نشر مرکز.
10. Banks, J.A. (2006), *Cultural diversity and education: Foundations, curriculum, and teaching (5th)*. Boston: Allyn and Bacon Chapinaon & Hall.
11. Cakir, I. (2006), "Developing cultural awareness in foreign language teaching". *Turkish Online Journal of Distance Education*, 7 (3), 154-161.

12. Crystal, D. (1971), *The language that took over the world*. The Guardian.
13. Cullen, B. & Sato, K. (2000), "Practical techniques for teaching culture in the EFL classroom". *The Internet TESL Journal*, 6, 12, section "Group Work". <http://iteslj.org/Techniques/Cullen-Culture.html>
14. Emmitt, M. & Pollock, J. (1997), *Language and learning: An introduction for teaching 2nd language*, Melbourne: Oxford University Press.
15. Gollnick, D.M., & Chinn, P.C. (2006), *Multicultural education in a pluralist society*. Upper Saddle River, NJ: Pearson.
16. Gozpinar, H. (2014), "English teachers interest in proverbs in language teaching", *Journal of International Social Research*, 7, 31, 611-617.
17. Herron, C., Cole, S. P., Corrie, C., & Dubreil, S. (1999), "The effectiveness of video-based curriculum in teaching culture". *The Modern Language Journal*, 83(4), 518- 533.
18. Hinkel, E. (1999), *Culture in second language teaching and learning*, Cambridge: Cambridge University Press.
19. Krejcie, R.V., & Morgan, D.W., (1970), "Determining sample size for research activities". *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
20. Mahadi, T. & Jafari S. (2012), "Language and culture". *International Journal of Humanities and Social Science*, 2 (17), 230-235.
21. Matsuta, K. (2004), *Applications for using authentic materials in the second language classroom*. From Asia University Cele Department: www.asia-u.ac.jp/english/cele/articles/MatsutaAuthentic_Mat.htm
22. Neff, P., & Rucynski JR., J. (2013), "Tasks for integrating language and culture teaching", *English Teaching Forum*, 51(2), 12-23.
23. Peterson, E. & Coltrane, B. (2003), "Culture in second language teaching". *CAL Digest*, 3(9), 1-6.
24. Saluveer, E. (2004), *Teaching culture in English classes (Unpublished Master's thesis)*. University of Tartu, Department of English.
25. Sapir, E. (1921), *Language: An introduction to the study of speech*. New York: Harcourt, Brace and company.
26. Sapir, E. (1956), *Selected writings in language, culture and personality*. Berkeley: University of California Press.
27. Schumann, J. H. (1978), *The acculturation model for second-language acquisition, in second language acquisition and foreign language teaching*, R. C. Gingras (ed.), Washington D.C: Center for Applied Linguistics.
28. Whorf, B.L. (1956), *Language, thought and reality*. Selected Writings. Ed.: J.B. Carroll. MIT, New York.